



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره چهل و دوم - زمستان ۱۳۹۸ - از صفحه ۳۴ تا ۵۱

نقش تمثیلی حیوانات در طرب المجالس

رضا الیاسی^۱، مریم محمودی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

چکیده

استفاده از حیوانات به عنوان شخصیت داستان‌ها و حکایت‌های داستانی، یکی از ابزارهایی است که نویسندگان و داستان‌سرایان از دیرباز تاکنون به آن توجه داشته و از آن بسیار بهره برده‌اند. از جمله آثاری که در بخشی از آن از حیوانات برای ایفای نقش تمثیلی و نمادین استفاده شده، کتاب طرب‌المجالس اثر میرحسینی غوری هروی است که در قرن هفتم تألیف شده است. میرحسینی هروی در بخش سوم کتاب با عنوان «در فضیلت و شرف انسان بر جمیع حیوانات» از حیوانات گوناگون به عنوان بخشی از شخصیت‌های داستان کتاب خود استفاده کرده است. در این کتاب از حدود شصت جانور مختلف نام برده شده که هر یک از آنها با توجه به نقشی که در داستان دارند، نمادی از شخصیتی هستند که در جهان بیرون وجود دارند و میرحسینی هروی با استفاده از این نقش‌های تمثیلی و نمادین که برای هر یک از این حیوانات در جامعه و اذهان مردم وجود دارد، به بیان اهداف تعلیمی، اخلاقی و تربیتی خود پرداخته است. این کتاب با توجه به کاربرد مؤثر و گسترده از نقش سمبلیک حیوانات گوناگون در آن، اثری تعلیمی و نمادین و جایگاه آن به عنوان یک اثر تمثیلی به گونه توصیفی در ادب فارسی و عرفانی قابل توجه است.

واژه‌های کلیدی: تمثیل، نماد، طرب المجالس، میرحسینی هروی، حیوانات، ادب تعلیمی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۳۰

پست الکترونیک نویسنده مسؤول: m.mahmoodi75@yahoo.com

پست الکترونیک: farduse1345@yahoo.com

۱- مقدمه:

یکی از شیوه‌های رایج در ادبیات تعلیمی، به کار بردن تمثیل و نماد در ارائه مقصود و بیان عقیده است. در این میان به کاربرد تمثیل حیوانات که غربیان به آن فابل می‌گویند، مورد توجه بسیاری از نویسندگان و صاحبان سبک است. در میان آثار ماندگار فارسی که از این ویژگی برخوردارند، می‌توان به کلیله و دمنه و مرزبان نامه اشاره کرد. بسیاری از آثار دیگر هم به طور موردی و یا کلی از این شیوه برای بیان موضوعات و اهداف مورد نظر نویسنده استفاده کرده‌اند؛ برای مثال در حوزه ادب اخلاقی و عرفانی، کتاب طرب المجالس از این نمونه آثار، تألیف عارف قرن هفتم هجری حسین بن عالم بن ابی الحسن ملقب به امیر(میر) حسینی غوری هروی است. موضوع این کتاب اخلاق و حکم و عرفان و مشحون از مواعظ و نصیحت‌های حکیمانه و تعلیمی و اخلاقی است که نویسنده آن در پنج قسم (بخش) و پنجاه و پنج فصل نگارش کرده است.

۱-۱. بیان مساله

عنوان قسم سوم کتاب طرب المجالس «در فضیلت و شرف انسان بر جمیع حیوانات» است که در اصل ترجمه و تهذیبی از رساله بیست و یکم اخوان الصفاست و در قالب مناظره میان حیوانات و حکیمانی از سرزمین‌های گوناگون و شکایت بردن به نزد ملک جنیان از جور و ستم بنی آدم و اطلاع بر دلایل برتری و شرف انسان بر جمیع حیوانات بیان شده است. در این داستان تخیلی و تمثیلی، ابتدا حیوانات گوناگون از هر نوع که از ظلم و جور آدمی و ابنای بشر به ستوه آمده‌اند، شکایت خود را به حضور سلیمان نبی که بر جنیان نیز حکمرانی دارد، می‌برند. در ادامه داستان، در عهد پیامبر (ص) به دستور ملک جنیان هر دسته‌ای از جانوران، نماینده‌ای از سوی خود برای مناظره به مقابله حکیمی از سرزمین‌های مسکون آدمی به محضر ملک جنیان گسیل می‌کنند و در سیر داستان هر یک از آن نمایندگان جانوران به مناظره با حکیمی از سرزمینی برمی‌خیزد و در نهایت همه جانوران در برابر آستان حکیم خراسان به نشانه فرمانبرداری و پذیرفتن برتری و شرف انسان بر سایر موجودات سر تعظیم فرو می‌آورند و بر خاک می‌افتند.

این داستان از انواع داستان‌های تمثیلی و نمادین است. میرحسینی هروی با توجه به جایگاه و نقش هریک از حیوانات در پیشبرد هدف غایی داستان، آنها را در مسیر اتفاقات و مناظره خود به کار برده است. در این داستان نقش حیوانات به عنوان مظاهر و سمبل‌های جهان مادی جهت ارتباط با جهان ماورایی و معنوی یعنی جهان جنیان و پیامبران الهی، نقش مهم و بسزایی دارد. جانوران از رسته‌های

گوناگون در این داستان، هریک نماد و سمبل قشر و گروه خاصی از جهان انسانی و ماهیت الهی او هستند. در بطن تمثیل‌گونه این داستان؛ نقش حیوانات، جهت به ثبوت رسانیدن جایگاه والای انسان شایان توجه است. از این جهت که بسیاری ویژگی‌ها و برتری‌های انسان را که خداوند در وجود او به ودیعه نهاده و نمی‌توان ظاهر و نمایان کرد، با عناصر تمثیلی این حکایت به تظاهر و شخصیت می‌رسند و در پایان داستان نیز حکیم خراسان در برابر موجودی که ماهیتی افسانه‌ای و ماورایی دارد، با بیان امتیازات و شرف انسان و آوردن براهین و استدلال‌های مختلف و استشهاد به آیات قرآن و احادیث، انسان را بر اریکه جانشینی خداوند قرار می‌دهد و حیوانات را مقهور جایگاه الهی انسان می‌کند. هنر نویسنده طرب المجالس آن است که در رویارویی جهان ملکوت با جهان ناسوت، طبایع گوناگون انسانی، حیوانی، وهمی و الهی را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد و با توانمندی و استفاده از نمادهای هر عالم، برتری و الوهیت عالم الهی و موجودات وابسته به آن یعنی انسان را بر سایر پدیده‌ها و موجودات جهانی هستی بر کرسی اثبات می‌نشانند. این پژوهش در پی پاسخ دادن به این پرسش- هاست: میرحسینی از کدام حیوانات در کتاب خود نام برده است؟ هر یک از حیوانات در کتاب طرب المجالس چه نقش و جایگاه تمثیلی و نمادین دارند؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره تمثیل حیوانات در ادبیات فارسی، تاکنون بررسی‌ها و پژوهش‌های گوناگونی انجام گرفته و مقالات و کتاب‌هایی نگاشته شده است. از جمله: کتاب «حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی» (تقوی: ۱۳۷۶) در این کتاب حکایات حیوانی در آثار داستانی و تعلیمی ادب فارسی تا قرن دهم بررسی شده است. کتاب «فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی» (منیژه عبدالهی: ۱۳۸۱). در این کتاب جانورانی که از مرزهای معهود واقعیت در گذشته وارد عرصه خیال شده‌اند و در ادبیات فارسی به گونه عنصر ادبی جلوه کرده‌اند معرفی می‌شوند. مقاله «رویکرد نظامی گنجوی به تمثیل حیوانات از دیدگاه ادبیات تعلیمی» (ناهد جعفری، زهرا بخشی پیش کناری: ۱۳۹۶) نویسندگان این مقاله بر این باورند که «حیوانات در این مخزن الاسرار، برخلاف باورهای عامیانه که تنها چهره منفی دارند، گاه چهره‌ای مثبت و در برخی از اوقات نیز جنبه‌ای دوگانه می‌یابند.» (جعفری، بخشی پیش کناری، ۱۳۸۱: ۱۲۱) مقاله «درآمدی انتقادی بر شیوه‌های بیان مفاهیم اخلاقی در حکایت‌های تمثیلی و جانوری» (شیرزاد طائفی، سعید اکبری: ۱۳۹۴) این پژوهش نشان می‌دهد که شناخت زمینه داستانی تمثیل و تخیل در حکایت‌های تمثیلی به شناخت گزاره‌های اخلاقی صریح در تمثیل و ساختار حکایت‌های

تمثیلی کمک می‌کند. (طائفی، اکبری، ۱۳۹۴: ۵۵) مقاله «سیرت انسانی در صورت حیوانی (بررسی فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی در حکایات جانور محور مثنوی)» (حاتم زندی: ۱۳۹۳) در این مقاله نویسنده به بهره‌گیریهای اخلاقی و عرفانی مولوی از شخصیت‌های حیوانی پرداخته است. مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس» (مریم محمودی، و رضا الیاسی: ۱۳۹۶) در این مقاله براساس قسم سوم کتاب طرب المجالس به شناسایی نمادهای حیوانی به کار رفته در این کتاب پرداخته شده است. حیواناتی که در این مقاله به آنها اشاره شده عبارتند از؛ شتر، مورچه، روباه، عنکبوت، کشف، طاووس، هما. این حیوانات هر یک طرف مناظره با حکیمان سرزمین‌های حجاز، شام، ترک، روم، عراق، هند، خراسان هستند.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

میرحسینی در طرب المجالس کوشیده است با استفاده از شخصیت‌های نمادین، تعالیم عرفانی خود را همراه با چاشنی اخلاقی به مخاطب عرضه کند تا از این رهگذر بتواند به مقصود و هدف نهایی و متعالی کتاب که همانا بیان رسالت الهی و جایگاه ویژه انسان در جهان خلقت است، دست یابد. با آگاهی از این هدف نویسنده و سیر موضوعات داستان به بررسی نقش نمادین و تمثیلی شخصیت‌های حیوانی که بیشترین نقش را در روند و سیر داستان این حکایت تمثیلی داشته‌اند، می‌پردازیم. با بررسی این تمثیلات ضمن آشنایی با سبک و شیوه نویسندگی این شخصیت عرفانی می‌توان به افکار و اندیشه‌ها و مبانی سلوکی او نیز پی برد.

۲- بحث و بررسی

جانوران در مناظره طرب المجالس شخصیت‌های اصلی این حکایت هستند و نقش شاکسانی را دارند که از ظلم و جور بنی‌آدم به درگاه ملک جنیان پناه می‌برند. هریک از عناصر حیوانی حاضر در این مناظره و صحنه‌های داستان، باید در ارتباط با معنای نمادین آنها در متن داستان، بررسی و شناخته شود. «حیوانات از گذشته‌های بسیار دور تاکنون، در زندگانی انسان نقش بسزا و جایگاهی بی‌بدیل داشته‌اند. آنها بسیاری از صفات اخلاقی و ویژگی‌های انسانی چون ذکاوت، شجاعت، حماقت، محبت، کینه‌توزی و ... را با خود همراه دارند. این مسئله جان مابه‌ای برای گزینش حیوانات به عنوان نماد شده است.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۳) گرچه به این نکته نیز باید توجه داشت که معانی نمادین یک عنصر نمادین، همیشگی و ثابت و یگانه نیست؛ بلکه یک عنصر نمادین می‌تواند در زمان‌ها، مکان‌ها و

شرایط گوناگون، معانی متفاوت و حتی متضادی داشته باشد. بنابراین یافته‌ها و گفته‌های نگارندگان این سطور جهت شرح و توضیح معانی نمادین و تمثیلی شخصیت‌های حیوانی این داستان به منزله قاعده و عملکرد ثابت نیست و می‌تواند به تناسبات گوناگون زمان، مکان و موضوع از اثری به اثری دیگر دگرگون و متحول شود. این دگرگونی و تغییر به دلیل تفاوت سبک‌ها، بینش‌ها، فرهنگ‌ها، اعتقادات و بسیاری دیگر از عوامل، ایجاد می‌شود.

«برای آنکه در آینه نماد، نه تنها خود را بلکه شاعر یا گوینده کلام را ببینیم، باید شعور و بصیرتی هم-ساز و هم‌سنگ با گوینده پیدا کنیم». برای کسب چنین بصیرتی، گذشته از آشنایی عملی با تجارب شاعران و نویسندگان نمادگرا که همه کس را در همه زمانی میسر نیست، باید با توغل در احوال و اندیشه‌های شاعر و استقراء در اشعار و نوشته‌های وی، به استخراج معانی حمل شده بر نمادهای از طریق تشبیه و مجاز و استعاره، شواهدی را جمع‌آوری کنیم که امکان حدس‌های ما و نه صحت و قطعیت آنها را تأیید کند.» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۶۸)

انتخاب حیوانات در این مناظره آگاهانه و در جهت پروردن موضوع بوده و خصایل هریک از آنها به عنوان نماد یا تمثیلی شناخته شده در متن مورد نظر است و در نهایت هریک به‌عنوان تمثیلی از گروه اجتماعی خاص و یا نمادی از خوی و خصلت خاص فردی یا اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. در این میان از عنصر گفت و گو به عنوان ابزاری برای نشان دادن شخصیت‌های این مناظره به خوبی استفاده شده است. توجه و دقت به این گفت و گوها سبب می‌شود خواننده تا حد زیادی به جایگاه و شخصیت هر یک از این حیوانات در داستان پی ببرد. گفت و گوهای این مناظرات با سیر منطقی و براساس استدلال عقلی و نقلی پی‌ریزی شده است و استناد به آیات قرآن و احادیث اسلامی در آن سبب تثبیت و تأیید سخن دو طرف مناظره می‌گردد که این خود یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته این کتاب است. از آنجا که در این داستان از بیش شصت جانور مختلف نام برده شده است، تنها به شرح و بیان نقش تمثیلی و نمادین جانورانی می‌پردازیم که در کنش داستانی ایفای نقش داشته‌اند.

جانوران و حیواناتی که در داستان مناظره انسان و حیوان طرب المجالس نقش دارند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛ یک گروه جانورانی هستند که نقش اصلی و محوری در داستان دارند که به آنها در مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس» پرداخته شده است. گروه دوم جانورانی هستند که نقش اصلی و اساسی در کنش داستانی مناظره طرب المجالس ندارند اما در سیر منطقی داستان به عنوان شخصیت‌های فرعی ایفای نقش کرده و در ایجاد کنش و فضای داستان، نقش آفرینی می‌کنند. در این مقاله سعی بر آن است که نقش و جایگاه نمادین و تمثیلی این گروه از شخصیت‌های داستان

پرداخته شود.

۱-۲- شترمرغ

از جمله اولین جانورانی که در حکایت طرب‌المجالس از آن نام برده می‌شود، شترمرغ است. این جانور در سیر حکایت نقش راهنما و مرشدی را دارد که جانوران دیگر را از بیان شکایت ظلم و ستم بنی آدم به درگاه سلیمان نبی برحذر داشته و آنان را به کلاغ رهنمون می‌شود تا از او راهنمایی بگیرند و به سخن او عمل کنند. از زبان او خطاب به حیوانات می‌خوانیم: « تامل و تانی در تقدیم امور شرط است و تفال و استخاره در جمیع امور فرض، و شما مشتی دهان بسته شاخ ناشکسته، بی‌استفسار پیروی و استصواب روشن‌ضمیری در این باب تعجیل نمودن مصلحت نیست.» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۶۹) از میان همه جانورانی که در ادب فارسی از آنها نام برده شده و نقش داستانی دارند، شاید شترمرغ کمتر از همه مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است و کمتر می‌توان ردّ پایی از این جانور را در آثار ادبی دید. با این وجود گاه در برخی آثار تمثیلی و نمادین از این جانور به عنوان تمثیل و نمادهای گوناگون استفاده شده است. شترمرغ در میان جانوران و در اعتقادات عامیانه، به مرغ آتشخوار شهرت دارد و در برخی آثار به این صفت ادعایی شترمرغ اشاره شده است، چنانکه مولوی در این باره چنین می‌سراید:

ذوق عشقت چون ز حد شد خلق آتشخوار شد همچو اشترمرغ، آتش می‌خورد در عشق، جان
(مولوی، ج ۴، ۱۳۷۸: ۱۸۹)

۲-۲- کلاغ

کلاغ در ابتدای مناظره، جانوران را جهت دادخواهی و رفع تظلم به طرح شکایت در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) راهنمایی می‌کند. در ادبیات گاهی کلاغ نماد صفاتی چون هوش و فراست است و آنچه از قدرت و اختیارش در تعیین سرنوشت مردمان می‌گوید؛ دال بر هوشیاری و دانایی اوست که در این داستان نیز می‌توان این ویژگی کلاغ را در نظر داشت. در این حکایت کلاغ به علت شهرتش به طول عمر و کبر سن، به عنوان پیروی با تجربه و راهنمایی همه چیزدان معرفی شده است. در مجلس مشورت و راهجویی حیوانات، شترمرغ آنها را به مشورت با کلاغ سفارش می‌کند و در توصیف او می‌گوید: «در کوه دماوند کلاغی است پیر و معتبر و از حقایق و دقائق امور باخبر، بسیار شربت شداید ایام چشیده و ضربت مکاید ایام کشیده، از عهد قابیل قابلیت قبول بزرگان یافته و از دور طوفان گرد

عالم طواف کرده...» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۰) همین صفت هوشیاری و عاقبت اندیشی است که سبب می‌شود با راهنمایی کلاغ، حیوانات از عرضه شکایت خود به محضر سلیمان نبی (ع) صرف نظر کرده آن را به زمانی دیگر (عصر پیامبر اسلام) واگذار کنند. این وجه از کلاغ تنها ویژگی مورد نظر در مورد کلاغ نبوده و این پرنده در طول زمان نماد و سمبل ویژگی‌های دیگر نیز هست که در میان جوامع و فرهنگ‌ها، متعدد و متنوع است. کلاغ گاهی نماد طولانی بودن عمر است و همان طور که بیان شد در این اثر، کاربرد نقش نمادین کلاغ بی‌ارتباط با سن کلاغ نیست. چنان که مشهور است و عوام اعتقاد دارند که عمر کلاغ سیصد سال است. پرویز ناتل خانلری در بخشی از سروده معروف خود به نام عقاب، از زبان کلاغ راز بلندی عمر او را مرده‌خواری می‌داند. (ناتل خانلری، ۱۳۸۷: ۹۵) نمادهایی هم‌چون دزدی، مزاحمت و آزار و اذیت کودکان، گندخواری و سیاهی مطلق، تقلید صرف و بی‌چون و چرا، بدصدایی و شومی نیز با کلاغ پیوند دارد. از میان تمام تمثیل‌ها، شاید شر و مذموم بودن این جانور بیش از سایر نمادها در بین مردمان رواج داشته باشد و به این جایگاه نمادین بیش از سایر موارد توجه شده باشد.

۲-۳- طوطی

طوطی در جمع جانوران شاکی از بنی‌آدم، سومین جانوری است که سخن می‌گوید. در ابتدا طوطی شرح حالی از مکان و مأوای خود و چگونگی اسارت خود به دست آدمیزاد و سپس حيله‌اش را برای رهایی از اسارت آدمی بیان می‌کند. در این شرح حال طوطی یاد می‌کند که بهترین راه برای رهایی خود از قفس آدمی، خود را به مردن زدن است. سپس می‌گوید:

گفتم به چه حيله وارهم من زین کهنه سرای محنت آباد
گفتند ز خویش تا نمیری هرگز نشوی ازین غم آزاد

(میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۶)

این حکایت و ماجرای رهایی طوطی با ترفند و مکاری که به کار می‌برد در آثار ادب فارسی سابقه دارد؛ مخصوصاً در داستان طوطی و بازرگان مولوی که شاهد همین شیوه طوطی برای رهایی از قفس بازرگان و رسیدن به آزادی هستیم. پیام اصلی این تمثیل آنست که برای رهایی از سختی جهان و رسیدن به کمال معنوی باید از دلبستگی‌های بی‌ارزش جهان دل برید. طوطی، این پرنده خوش آب و رنگ از دیدگاه عرفانی و در نظر شاعران عارف پیشه، نماد و تمثیلی شناخته شده از روح زیبایی انسانی

است که در قفس تن گرفتار آمده است و تنها راه رسیدن به جایگاه اصلی و الهی خود را همانا رهایی از درون و بریدن از تعلقات دنیوی است. در طرب المجالس میرحسینی هروی همین مفهوم نمادین از طوطی به کار برده شده است. او برای در امان ماندن و اسیر دانه و محبت منفعت طلبانه بازرگان نشدن، خود را بیمار می‌سازد و با این تدبیر از دست صاحب خود رهایی می‌یابد.

رواج و گستردگی تمثیل طوطی و نماد دینی و مذهبی آن نیز در متون گذشته بسیار است، بطوری‌که حتی در برخی از منابع اسلامی و قرآنی نیز از آن استفاده شده است. به عنوان نمونه در کتاب روض الجنان فی تفسیر القرآن اثر ابوالفتح رازی، در تفسیر و گزارش آیات ۲۵۸ تا ۲۶۰ سوره بقره، در پایان حکایت مرغ گرفتار قفس و آوردن آن مرغ به نزد سلیمان نبی (ع) بیان می‌شود که نتیجه آن چنین است: «این مثل تو است، تو مرغ اوایی و دنیا قفس تو است. تو را در زندان قفس برای ناله تو می‌دارند. اگر در این قفس ناله نکنی، تو را بر او هیچ خطر نباشد، قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعُؤُكُمْ (فرقان/۷۷)» (رازی، ج ۴، ۱۳۷۱: ۳۴) عطار نیشابوری نیز تمثیل طوطی هند را در «اسرارنامه» در داستانی از پادشاه چین که طوطی در قفسی آهنین دارد، بیان می‌کند که آن طوطی مترصد آن است که راه نجاتی بیابد تا به هندوستان برگردد. «به اعتقاد عطار در منطق الطیر، طوطی، در طلب آب حیات است و پادشاهی را در بندگی راه ظلمات می‌بیند. آب حیات، تمثیلی از معرفت است و طوطی نشان آن گروه است که در طلب علم از عالم باز می‌ماند.» (فربود، سهیلی راد، ۱۳۸۲: ۳۶) در نهایت این مولانا است که تمثیل طوطی را در مثنوی معنوی به اوج می‌رساند و حکایت طوطی و بازرگان را در کاربرد عالی و کامل این عنصر نمادین به نمایش می‌گذارد. در تمامی این کاربردهای هنرمندانه و استفاده‌های نمادین از طوطی، این پرنده نماد روح الهی و معنوی انسان است که در قفس تن اسیر گشته است. قفس نماد جسم خاکی و دون انسان و رهایی از این قفس نشانه‌ای از رهایی روح باقی از جسم فانی و رجعت آن به سوی مبدأ هستی و کامل مطلق یعنی خداست.

۲-۴- باز

باز در مناظره ابتدا شرحی مختصر از ماجرای اسارت خود به دست آدمی و تربیت کردن و گماشتن او به شکار هم‌نوع را بیان و سپس شیوه رهایی خود را ابراز می‌کند: «مدام منتظر فرصتی می‌بودم که خود را خلاص کنم ناگهان در عقب مرغی پرواز کردم و خود را از او بی‌نیاز گردانیدم. تا خود فلک از پرده چه آرد بیرون» و چنین شکوه آغاز می‌کند:

چند باشم زبون هر دستی ای دریغا ز خویش وارستی
گردش چرخ پای من بریست کاشکی پشت چرخ بشکستی

(میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۷)

باز پرنده‌ای شکاری است که در ریاضت و تعلیم پذیری به دست انسان، در میان پرندهگان شکاری، شهرت دارد. هم‌چنین همدمی و همراهی این پرنده با پادشاهان و نشستن بر دست امیران و بزرگان، به او امتیاز و وجه تمثیلی خاصی بخشیده که پیوسته به این صفت موصوف بوده است. به‌طور کلی باز در ادبیات نمادی از قدرت، مناعت طبع، بلندپذری، فرخندگی و زیبایی است. در ادب عرفانی نیز، باز به عنوان سمبل و ابزاری برای بیان مفاهیم و تجربیات اهل دل و عرفا و هم‌چنین صاحبان قدرتی که شوکت و عظمت خود را پیوسته حفظ می‌کنند؛ استفاده می‌شود؛ چنانکه مولوی می‌سراید:

بازگو ای باز عنقاگیر شاه ای سپاه اشکن به خود نی با سپاه

(مولوی، ۱۳۷۱: ۱۸۶)

به‌طور کلی از این پرنده شکاری تصویری خوش و مقبول در اذهان ادیبان و صاحب سخنان وجود دارد و همین تصویر مطلوب سبب شده است که به‌طور عمده، این پرنده سمبل و تمثیل بسیاری از صفات نیکو و خصلت‌های برجسته در ادب فارسی و فرهنگ عامه باشد، چنانکه ادب‌پذیری و مجالست این پرنده با شاهان و بزرگان و امیران و صاحب منصبان برای شکار، در همه جا مثل زدن است.

چوگان حکم در کف و گویی نمی‌زنی باز ظفر به دست و شکاری نمی‌کنی

(حافظ، ۱۳۷۹: ۴۸۰)

آنچه درباره نقش تمثیلی این پرنده در طرب المجالس می‌توان به آن اشاره کرد آن است که از میان تمام تمثیل‌ها و نمادهای فراخور باز در ادبیات فارسی، میرحسین به ویژگی‌های نمادین آن هم‌چون بزرگی و عظمت و جایگاه والای او اشاره دارد و این پرنده را تمثیل کسانی قرار داده است که در جامعه دارای پایگاه اجتماعی و منزلت والا هستند چنانکه در این مناظره، باز در شرح حال خود چنین سخن می‌گوید: «ای عزیزان من مرغی بودم بلند پرواز و از منت خلق بی‌نیاز به کد میمن و عرق جبین

طعمه‌ای حاصل می‌کردم و روزگار به سر می‌بردم» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۷).

۲-۵- ماهی

ماهی در قسمتی از مناظره با ماجرای از زندگانی و اسارتش به دست انسان، حضور دارد. نقش نمادین و سمبلیک ماهی در طول تاریخ در ادبیات داستانی، حماسی، اساطیری، تعلیمی و عرفانی بی‌بدیل و گسترده است. این جانور از قدیم‌ترین ایام تا جدیدترین دوران، در فرهنگ، آداب، رسوم، اعتقادات و حتی خرافات، تأثیری دایمی داشته است. از اولین آثار شفاهی و کتبی ادب فارسی و در اسطوره‌های باستانی و دوره‌های بعدی در ادب تعلیمی و عرفانی این جانور به عنوان یکی از ارکان نمادین حضور و ظهور دارد. در ادبیات عرفانی عموماً ماهی به عنوان نمادی از عارف کامل که مستغرق در دریای معرفت است نمایانده می‌شود. مولوی با استفاده از همین مفهوم نمادین چنین می‌سراید:

این جهان دریاست و تن، ماهی و روح یونس محجوب از نور صبح
گر مسیح باشد از ماهی، رهید ورنه در وی هضم گشت و ناپدید

(مولوی، ۱۳۷۱: ۳۴۸)

در شاهنامه فردوسی، ماهی مظهر و نماد شومی و بدفرجامی است، چنانکه در داستان اسکندر فیلسوفان او را از رفتن به دریا برحذر می‌دارند. اما اسکندر که قصد دارد از چند و چون کار جهان آگاهی یابد، بی‌توجه به این تذکر آنها با یارانش به دریا می‌زند و در نتیجه:

یکی زرد ماهی بد آن سخت کوه هم آنکه چو تنگ اندر آمد گروه
فرو برد کشتی هم اندر شتاب هم آن کوه شد ناپدید اندر آب

(فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۴۵۶)

در طرب المجالس، ماهی مظهر و نمادی از طمع‌ورزی و حرص آدمی است که سبب تعلق و گرفتاری او به جهان و موجب مصائب انسانی می‌شود. اگر آدمی این حرص و طمع (قلاب) را قطع کند، می‌تواند از دام صیادان وجود و جهان نیز رها شده، به کمال و رهایی و عروج دست یابد. ماهی در این قسمت از مناظره در شرح حال خود و چگونگی گرفتاری به دست انسان، اشاره می‌کند که به سبب طمع، صید شست صیاد شده و اگر یاری خداوند نبود اسیر او گشته و از دست او رها نمی‌شد. (ر.ک).

میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۸)

۶-۲- مار

مار از جمله جانورانی است که در آثار گوناگون و در فرهنگ عامیانه به آن توجه شده است و رد پای این حیوان را می‌توان در آثار مختلفی دید. اسطوره مار را می‌توان در داستان ضحاک ماردوش دید، که در آن مارهای روئیده بر شانه‌های ضحاک (اژدی‌دهاک) تمثیلی از خویهای بد و اهریمنی ضحاک است که از شانه‌های او سربرآورده‌اند و به آزار انسان‌ها مشغولند. مار در بسیاری از فرهنگ‌ها، نمادی از دیوان گوناگون است و گاهی با گرگ یکسان و هم‌معنی است. در تعالیم سه دین بزرگ الهی یعنی یهود، مسیح و اسلام نیز، مار مظهر خباثت و یاور شیطان و موجود ملعون به شمار می‌آید؛ مخصوصاً در روایات اسلامی که اشاره به همراهی مار با ابلیس و راه یافتن او به بهشت دارد و به نوعی مار را یکی از عواملی و زمینه‌های اخراج آدم و حوا از بهشت می‌دانند. در برخی از آیات قرآن مانند سوره- های طه، اعراف، شعرا و نمل نیز می‌توان داستان‌هایی مربوط به مار را دید که در دوره‌های بعد مفسران این آیات، به مار ماهیتی خبیث و همدست شیطان بخشیده‌اند. همین عامل سبب گردیده که به مرور زمان با انتساب ماهیت مار به شیطان، مار که سمبل کهن‌ترین ایزدان جهان بود، منزلت خود را از دست داده و جایگاه رفیع آن در اسطوره‌ها، تا حد بسیاری به فراموشی سپرده شود.

در کتاب طرب المجالس مار تمثیلی از انسان‌های ساده‌دلی است که به ظاهر و گفتار فریبکارانه دیگران مغفول می‌شوند. در این داستان، مار که در کنجی از صحرا مسکن گزیده است، فریب سخنان شیرین مارگیری را خورده و گوی دوستی با او می‌بازد و گرفتار مطامع او می‌شود و عاقبت پس از فراز و نشیب بسیار و تحمل رنج و سختی فراوان، از دست او می‌گریزد و خود را از چنگال ستمکار او نجات می‌دهد. (ر.ک. میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۸-۸۰)

۷-۲- زنبور

نقش تمثیلی و سمبلیک زنبور عسل در آثار و متون و مهم‌تر از آن در آیات قرآن کریم بسیار قابل توجه است و از این جهت این حشره یکی از مطرح‌ترین جانوران نمادین در میان حشرات دیگر است. زنبور عسل در جوامع و فرهنگ‌های مختلف مفاهیم نمادین و تمثیلی گوناگونی دارد و حتی گاهی مفاهیمی متضاد، ولی دیدگاه کلی نسبت به این جانور مثبت و خیر است. در برخی از آیات قرآن مانند آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل خداوند با اشاره به خواص شفابخش عسل، انسان‌ها را به دیدن و دقت در

زندگی زنبور عسل امر می‌کند و آن را نشانه‌ای از قدرت خداوند برای متفکران می‌داند. این نماد آن-چنان در نزد مردم با اهمیتی است که خداوند مومنان و پرهیزکاران را در آیه ۱۵ سوره محمد (ص)، به بهشتی که در آن نهرهایی از عسل پاک و ناب روان است، وعده می‌دهد. «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ؛ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۶۹-۶۸)

در مناظره طرب المجالس، زنبور جزء آخرین جانوران از گروه حشرات است که نقش نمادین و تمثیلی آن مطرح می‌شود. در این حکایت زنبور پس از بیان حال خود نزد حیوانات، چگونگی تعرض آدمی به خان و مان و زندگی‌اش را مطرح می‌کند و پس از آن از ظلم و تعدی انسان بر خود می‌نالند و می‌گویند که جوری که بر نوع او رفته از همه حیوانات بدتر و بیشتر است؛ زیرا که آدمی هم ثمره و بهره زندگی او (عسل) را به تاراج می‌برد و هم اینکه به این مقدار اکتفا نکرده و آتش در خانه و کاشانه او زده و کسان و فرزندان او را می‌کشد و نابود می‌کند. از این رهگذر می‌توان گفت زنبور عسل در طرب المجالس نماد ستم‌دیدگانی است که با وجود داشتن نیروی دفاع از خود (نیش) قدرت مقابله با ستمگران را ندارند و همه چیز خود را در هجوم ظالم و ستمگر بر خود به خاطر ثروتی که دارند، از دست می‌دهد و چاره‌ای جز تسلیم شدن ندارند. (ر.ک. میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۸۱)

۲-۸- یوز

یوز در مناظره به دادخواهی با دیگر حیوانات، تصمیم به رفتن نزد سلیمان نبی دارد. او پس از شرح گرفتاری خود به دست انسان و رام و ریزه‌خوار شدن او، از اینکه در این نزدیکی و مجالست، اوصاف جبلی خود را به کلی از دست داده، نالان و غمگین است و سعی بر آزادی خود دارد و از اوضاع خود ناله سر می‌دهد. (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۵)

یوز در طول تاریخ از اسباب تفریح و تجملات زندگی آدمی بوده است. دلیل این مدعا، سنگ‌نگاره‌ها و حجاری‌ها و نقوشی است که از ادوار گذشته بر دیواره غارها و مکان‌هایی که انسان در آن مسکن گزیده است، نقش بسته است که این خود نشان دهنده، همراهی همیشگی و پیوسته این حیوان با انسان و زندگی او بوده است.

با یوز رود کس به طلب کردن آهو آنجای که غریدن شیران نر آید

(فرخی سیستانی، ۱۳۳۵: ۴۰)

در طرب المجالس هم به خصلت رام‌شوندگی و دست‌آموزی یوز و حرص و طمع ورزی آن توجه شده است. این جانور در شرح سرگذشت خود به این نکته چنین اشاره می‌کند:

دلَم را غم و محنت از حد گذشت چرا بخت بد بر من آشفته گشت
 نه از چرخ سرگشته دارم نفیر که در بند محنت مرا کرد اسیر
 من از دست خویشم چنین دردمند که حرص و طمع دارم پای‌بند
 من از علت خود فتادم به چاه چه گویم چو خود کرده‌ام این گناه
 (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ص ۷۵)

در تاریخ بیهقی درباره شکار با یوز آمده است: «چون پره تنگ شد نخجیر را در باغی راندند که در پیش کوشک است و افزون از پانصد و ششصد بود که به باغ رسید و به صحرا بسیار گرفته به یوزان و سگان امیر به خضرا بنشست و تیر می‌انداخت و غلامان در باغ می‌دویدند و می‌گرفتند به یوزان و سگان و سخت شکاری رفت.» (بیهقی، ۱۳۷۶: ۵۱۳) با این سابقه می‌توان گفت یوز در ادب فارسی نماد و تمثیلی از قدرت، سرعت، تیزچنگی، رام‌پذیری و مطیع بودن است. خوی رام‌پذیری و دست‌آموز شدن این جانور هم‌چون باز در میان جانوران دیگر، مثال زدنی است. از خصوصیات دیگری که به یوز نسبت می‌دهند، علاقه وافر او به پنیر است. شایع است که یوز در اغلب اوقات به طمع پنیر به دام صیادان می‌افتد. در طرب المجالس، یوز در شرح گرفتاری خود، به این خوی اشاره می‌کند: «تا کی به طمع زبون هر دون باشم" و خود را به بوی پنیری چند اسیر دارم.» (میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۵) با توجه به همین ادعا و ویژگی است که گاهی یوز را نمادی از طمع‌کاری و حرص معرفی می‌کنند:

قوت سرپنجه شیری برفت راضی‌ام اکنون به پنیری چو یوز
 (سعدی، ۱۳۷۶: ۴۲۴)

از شیر فلک روی مگردان، که حوادث بر خصم تو آموخته چون یوز و پنیرست
 (انوری، ۱۳۶۴: ۴۶)

هم چنین اشاره به این خصلت تمثیلی یوز می‌تواند تمثیلی از نهایت خفت و زبونی در وجود انسان

باشد که او را برای اندک قوتی به هر خفت و خواری می‌کشاند.

۲-۹- گاو

در مناظره اول حیوانی که داد سخن و شکایت از ظلم بنی‌آدم برمی‌دارد، گاو است. در این حکایت گاو نماد انساهایی است که تمام عمر با مشقت و رنج بار زندگانی را بر دوش می‌کشند اما در نهایت از این سختی و عذاب طرفی نمی‌بندند و ثمری به دست نمی‌آورند و نالان و و با حرمان عمر خود را سپری می‌کنند. گاو درباره‌ی روزگار سخت خود چنین می‌گوید:

دریغ از خوش‌دلی ما را خبر نیست شب تاریک ما را خود سحر نیست
درین محنت که عمر من به‌سر شد برون از درد دل کار دگر نیست
عجایب بین که روزی برنیاید ز بخت من که آن از دی بتر نیست
نصیب من همه اندوه و غم داد فلک را هیچ انصاف دگر نیست
(میرحسینی هروی، ۱۳۵۲: ۷۴)

گاو از جمله حیواناتی است که در اساطیر ایران و جهان از آن یاد شده است. در اولین آثار دینی ایرانیان مانند بندهشن آفرینش اولین انسان یعنی کیومرث به همراه گاوی به نام اوگدات، از خاک بوده است. براساس این سخن اولین موجود انسانی که در اساطیر ایران پای به جهان هستی گذاشته کیومرث و اولین حیوان گاو بوده است که ساحل چپ و راست رودخانه دایتی آفریده شدند. در سروده‌های دیگر این گاو را هم‌تراز و برابر با کیومرث معرفی می‌کند و جایگاهی ویژه هم چون کیومرث برای او قابل است. در داستان‌های شاهنامه گاو به عنوان نمادی پرتوان، «گرز گاوسار»، در داستان ضحاک، «چرم آهنگری کاوه» که از پوست گاو بود و هم‌چنین «پرورنده فریدن (گاو برمایه)» حضور نمایان دارد. بطور کلی گاو از نمادهای پرکاربرد و مثبت و قابل توجه در بسیاری از اساطیر و داستان‌های و حکایت‌های ایرانی و غیرایرانی است. این نماد پیوسته مظهر زاینده‌گی، حیات، قدرت، سودمندی، تقدیس و بسیاری مظاهر نیک دیگر است چنانکه در اشعار شاعران و نوشته‌های نویسندگان بسیاری ظهور و جلوه‌گری می‌کند.

نتیجه‌گیری

حیوانات به دلایل گوناگون از جمله جاندار بودن و هم‌چنین شباهت برخی از خصایل و خوی و رفتار آنها با آدمی از دیرباز تا کنون به‌عنوان جزئی از عناصر نمادین و تمثیلی ادب فارسی و ادبیات عرفانی و تعلیمی و اخلاقی و گاه معترضانه و نقادانه حضور دارند و دست‌مایه بسیاری از نویسندگان و شاعران برای بیان عقاید و تعلیمات و گفته‌های خود هستند. در بخشی از کتاب طرب المجالس، حسینی هروی نیز به این مهم پرداخته است و مناظره‌ای را تحت عنوان مناظره انسان و حیوان بیان کرده که در آن حیوانات گوناگون به مقابله با ستمگری انسان بر خود و مطالبه و استیفای حقوق خود برخاسته و شکایت پردرد خود را برای داوری به نزد ملک جنیان می‌برند تا او میان آنها و انسان حکمیت و داوری و قضاوت کند و به این ترتیب حق دیرینه خود از دست انسان ظلم پیشه بستانند. در این میان هر یک از حیواناتی که در این مناظره حکایت گونه حضور دارند طی گفت و گوها و مناظراتی که با حکیمان سرزمین‌های گوناگون دارند به عنوان نماد و تمثیل گروه خاصی هستند که می‌توان با صفاتی که به آنها نسبت داده شده است و هم‌چنین نحوه سخن گفتن و مناظره آنها هر یک را نماد و ممثل شخص یا گروهی از آدمیان دانست. صفاتی که به این جانوران در داستان طرب المجالس داده شده است، همگی صفات انسانی است. میرحسینی هروی با مهارت آنها را در جایگاه انسانی قرار داده تا بتواند هریک از طبقات و صنوف انسانی را براساس رفتار و کردار و گفتار آنها طبقه‌بندی کند و سپس در سیر داستان با بیانی عرفانی و تعلیمی به برجستگی‌های انسان در مقابل سایر موجودات خاصه حیوانات پرداخته، دلایل اعتبار و تشخیص و جایگاه الهی او را در مقابل سایر حیوانات تبیین نماید و در نهایت با مهارت و چیره‌دستی برتری و ارجعیت آدمیان خاصه مردمان سرزمین خراسان را بر سایر بلاد، به مخاطب خود به اثبات برساند.

ویژگی خاص این مناظره تنوع گونه‌های حیوانی در آن است، در این مناظره از شصت حیوان گوناگون نام برده شده است که هریک به نحوی در بیان مقاصد نمادین نویسنده نقش دارند. هم‌چنین ویژگی دیگر این اثر تمثیلی آنست که نویسنده در آن تنها از شخصیت‌های حیوانی بهره نبرده است بلکه مؤلف با قرار دادن سه گونه شخصیت انسانی، حیوانی و مأورایی در جریان حکایت، داستانی گیرا و غنی از مفاهیم عرفانی، اخلاقی و تعلیمی در مقابل دید خوانندگان خود قرار داده است و به این صورت از ترجمه‌ای ساده، اثری تأثیرگذار و چندوجهی ارائه می‌دهد که حامل نکاتی تأمل برانگیز و جذاب است.

منابع و مأخذ

کتابها:

قرآن کریم

- ۱- انوری، اوحد الدین محمد بن محمد (۱۳۶۴). دیوان انوری، تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات پیروز، چ سوم.
- ۲- تقوی، محمد (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه.
- ۳- پورنامدارن، تقی (۱۳۶۷). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ دوم.
- ۴- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۷۹). دیوان، تصحیح بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: انتشارات دوستان، چ سوم.
- ۵- رازی، ابوالفتوح (۱۳۷۱). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، جلد چهارم، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۶- سعدی، مشرف الدین مصلح بن عبدالله (۱۳۷۶). گلستان، شرح خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی‌علیشاه، چ یازدهم.
- ۷- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۸۸). دیوان، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: انتشارات سنایی، چ هفتم.
- ۸- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی، تهران: پژوهنده.
- ۹- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ (۱۳۳۵). دیوان، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: چاپ سپهر.
- ۱۰- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، جلد اول، به کوشش احسان یارشاطر، نیورک: ناشر Bibliotheca Persica.
- ۱۱- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۱). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۲- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۸). کلیات شمس (دیوان کبیر)، تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، چ چهارم، تهران: امیر کبیر.
- ۱۳- میرحسینی هروی، حسین بن عالم بن ابی الحسنی (۸۳۴). طرب المجالس، تصحیح سید علیرضا مجتهد زاده، مشهد: دانشگاه مشهد.
- ۱۴- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۷). ماه در مرداب، تهران: نشر معین، چ چهارم.

مقالات:

- ۱- جعفری، ناهید، بخشی پیش کناری، زهرا (۱۳۹۶). رویکرد نظامی گنجوی به تمثیل حیوانات از دیدگاه ادبیات تعلیمی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۹، ش ۳۳، صص ۱۲۱-۱۴۴.
- ۲- حسینی کازرونی، سید احمد (۱۳۹۴). نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۲۶، صص ۱۵۴-۱۳۳.
- ۳- زندگی، حاتم (۱۳۹۳). سیرت انسانی در صورت حیوانی (بررسی فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی در حکایات جانور محور مثنوی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۶، ش ۲۴، صص ۱۷۳-۲۰۴.
- ۴- طائفی، شیرزاد، اکبری، سعید (۱۳۹۴). درآمدی انتقادی بر شیوه‌های بیان مفاهیم اخلاقی در حکایت‌های تمثیلی و جانوری، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۷، ش ۲۳، صص ۵۵-۸۷.
- ۵- فربود، فریناز و فهیمه سهیلی‌راد (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی سیمرخ در متون ادبی و حماسی و عرفانی، فصل‌نامه هنر، شماره ۵۶، ص ۳۶.
- ۶- محمودی، مریم، الباسی، رضا (۱۳۹۶). نمادشناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس، متن‌شناسی ادب فارسی، دوره ۵۳، ش ۴، صص ۵۷-۷۰.



The Allegory Role of Animals in Tarb al-Majales

Reza Eliassi¹, Maryam mahmoodi*²

1- PhD Student of Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University. Dehaghan.

2- Associate professor of Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University . Dehaghan. Iran.

Abstract

Using the role of animals as characters in storytelling and storytelling is one of the tools that writers and storytellers have long been interested in and benefited from. Among the works that have been used in some of the animals for symbolic and symbolic roles is the seventh-century work by Tarb al-Majalis, a work by Mir Hossein Ghorji Heravi. Mir Hosseini Heravi has used various animals as part of his book's story in the third part of the book, "On the virtue and dignity of man over all animals." The book mentions more than 60 different beasts, each with their own role in the story, an example of the character that exists in the outside world, and Mir Hosseini Heravi using these symbolic and symbolic characters. Designed for each of these animals in society and in people's minds, he has expressed his educational, ethical, and educational goals in this mystical work. Therefore, this book can be regarded as an educational and symbolic work, given its effective and widespread use of the female role of the various animals in it, and its place as an allegorical work in Persian and mystical literature.

Keywords: Allegory, Symbol, Tarabul Majales, Mir Hosseini Heravi, Animals, Didactic literature.